

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۱۴ فیبروری ۲۰۲۰

کشاندن پای ناتو به سوریه، گام بعدی؟



بشار جعفری نماینده دائم سوریه در ملل متحد در مصاحبه با شبکه تلویزیونی المیادین گفت: در تاریخ ششم ماه فیبروری شورای امنیت جلسه ای فوق العاده درباره اوضاع سوریه برگزار کرد. پیش از برگزاری این جلسه نماینده امریکا در ملل متحد از اعضای شورای امنیت برای صرف ناهار کاری در مقر هیأت دیپلماتیک امریکا در ملل متحد دعوت به عمل آورده بود و کوشنر داماد ترمپ و مسؤول معامله قرن نیز در این ناهار کاری حضور پیدا کرد و آنها ضمن رایزنی، اعضای شورای امنیت ملل متحد را از جزئیات معامله قرن آگاه کردند، پس از این ناهار کاری، امریکائی ها و دیگر اعضای شورای امنیت مستقیماً به جلسه شورای امنیت آمدند تا اوضاع سوریه را مورد بحث و بررسی قرار دهند. در واقع جلسه ای که برای بررسی تحولات سوریه برگزار شد جلسه ای فوق العاده بود که در برنامه کاری شورای امنیت در این ماه قرار نداشت. برخی خواهان برگزاری این جلسه فوق العاده شدند تا سرپوشی بر دیداری که در مقر هیأت دیپلماتیک امریکا در ملل متحد در مورد معامله قرن و مسئله فلسطین برگزار شد بگذارند. مسئله اصلی آنها مسئله فلسطین بود و آنها برای پارازیت انداختن بر روی این موضوع از به کارگیری هر موضوع یا ابزار دیگری ابائی نداشتند.

معمولاً در هر ماه سه جلسه رسمی درباره مسئله سوریه برگزار می شود. اما این ماه در سایه ریاست بلجیم بر شورای امنیت ملل متحد شش جلسه درباره سوریه برگزار شد. در تاریخ بیست و نهم جنوری در یک روز دو جلسه درباره سوریه برگزار شد. در پنجم فیبروری جلسه ای درباره (به کارگیری) سلاح های کیمیائی در سوریه برگزار شد. در ششم فیبروری نیز جلسه ای فوق العاده درباره اوضاع ادلب برگزار شد. در نوزدهم فیبروری نیز جلسه ای درباره

اوضاع انسانی سوریه برگزار شد و در بیست و هفتم این ماه نیز جلسه ای دیگر درباره اوضاع انسانی برگزار می شود.

بنابراین ملاحظه می کنید که در سایه ریاست بلجیم بر شورای امنیت شش جلسه طی یک ماه درباره سوریه برگزار شده است. همچنان که می دانید بلجیم دوست سوریه نیست، این کشور عضو ناتو است. در جلسه فوق العاده شورای امنیت درباره سوریه، برای تهدید سوریه به ناتو متوسل شدند. نماینده امریکا در جلسه رسمی شورای امنیت که در ششم ماه جاری برگزار شد رسماً سوریه را تهدید کرد که ناتو از ترکیه در برابر پیامدهای تجاوز انقره به سوریه محافظت خواهد کرد و ناتو از ترکیه در برابر پیامدهای اقدام ارتش سوریه در آزادسازی استان ادلب، حمایت به عمل خواهد آورد.

به عبارت دیگر آنها اهداف و برنامه های ناتو را جایگزین اهداف و برنامه های ملل متحد کردند. این یک مسأله جدید است و پیشتر سابقه نداشته است. اما آنچه اوضاع را بدتر می کند این است که شورای امنیت ملل متحد با ترکیب کنونی اش، در بردارنده شش کشور عضو پیمان ناتو است که این کشورها عبارتند از: امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، بلجیم و استونیا. یعنی تقریباً نیمی از اعضای شورای امنیت ملل متحد عضو پیمان ناتو هستند. سؤالی که برای دیگر اعضای شورای امنیت ملل متحد پیش آمد این بود که آیا ما در شورای امنیت هستیم یا آن که در پیمان ناتو هستیم. بلجیم که ریاست شورای امنیت را بر عهده دارد بی طرف نیست.

صحنه ای که ما با آن رو به رو هستیم این است که گروه های تروریستی تحت حمایت ترکیه قرار گرفته اند و ترکیه از این گروه های تروریستی حمایت به عمل می آورد. گروه های تروریستی از حمایت های اردوخان بهره می برند و اردوخان نیز می کوشد که ناتو را وارد کارزار در سوریه بکند. اما واقعیت این است که این ناتو است که اردوخان را به کار گرفته و او را در باتلاق سوریه فروغلتانده است. ناتو می خواهد با این کار با یک تیر چند نشان بزند. هدف اول ناتو از این کار این است که فاصله عمیقی میان روسیه و ترکیه ایجاد کند و نزدیکی سیاسی و ژئوپلتیکی که پوتین رئیس جمهور روسیه خواسته آن را با ترکیه ایجاد کند بر هم بزند. مسلماً غرب از این نزدیکی که میان مسکو و انقره ایجاد شده خرسند نیست و از این رو می خواهد ترکیه را وارد تشنج در منطقه کند و کاری کند که اردوخان، ما و دیگر عرب ها هیزم این تنش و درگیری باشیم و نهایتاً این ناتو باشد که از این درگیری ها سود ببرد.

ناتو فاتحه شورای امنیت ملل متحد را خوانده است همچنان که بوش پدر در سال ۱۹۹۰ با کشاندن صدام به جنگ کویت، و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فاتحه ملل متحد را خواند. بوش پدر در آن زمان در مجمع عمومی ملل متحد گفت ما هم اکنون وارد یک نظام جهانی جدید شده ایم. برخی نویسندگان کتاب هائی نوشتند که این دیدگاه امریکا را تقویت می کرد. فرانسیس فوکویاما کتاب پایان تاریخ را نگاشت، پل کندی کتاب ظهور و سقوط قدرت های بزرگ، و ساموئل هانتینگتون، کتاب جنگ تمدن ها را نوشت. از این رو عجیب نیست که پس از گذشت این همه سال، در جلسه شورای امنیت درباره سوریه، قدرت این شورا را زیر سؤال برده و بگویند که این ناتو است که جهان را اداره می کند و از اردوخان در برابر پیامدهای اقدام های احمقانه اش در سوریه حمایت می کند.

نماینده امریکا، نماینده انگلیس و نماینده استونیا در ملل متحد، هر سه در جلسه فوق العاده شورای امنیت در خصوص سوریه، گفتند که فرایند آستانه دیگر وجود ندارد و در واقع مرگ فرایند آستانه را اعلام کردند. آنها گفتند که ملل متحد و شورای امنیت این سازمان، فرایند آستانه نیستند و در واقع به این سخن اعلام کردند که دیگر فرایند آستانه را به رسمیت نمی شناسند. حتی نماینده دائم امریکا در ملل متحد صراحتاً گفت فرایند آستانه، مناسب نبوده و فایده ای ندارد.

در حالی که فرایند آستانه موفقیت های بسیاری داشته است و ضمن ایجاد منطقه کاهش تنش باعث شده است که ارتش سوریه هم اکنون در آستانه آزادسازی ادلب قرار گیرد و غوطه، حمص و مناطق جنوب سوریه و جولان را از لوٹ گروه های تروریستی پاکسازی کند. از این رو ناتو بخوبی می داند ضربه و آسیب اصلی که به آن وارد می آید از ناحیه فرایند آستانه است که در واقع موفقیت ما، دیپلماسی روسیه و همپیمانان ایرانی ما است. از این رو آنها هم اکنون فرایند آستانه را هدف قرار داده اند. البته باید دانست فرایند آستانه متعلق به ناتو نیست، زیرا ناتو در فرایند آستانه مشارکت نداشت و تنها یک هیأت بسیار کوچکی از امریکا در جلسه آستانه مشارکت جست که آنها هم پس از مدتی دیگر در جلسه های آستانه حضور نیافتند و این جلسه را تحریم کردند. آنها می خواهند جلوی فرایند آستانه را بگیرند و در مقابل فرایند تروریسم را فعال کنند.

نامه هائی که وزارت خارجه سوریه برای دبیر کل ملل متحد و شورای امنیت این سازمان می فرستد بسیار مهم است. زیرا ما با این نامه ها اعضای شورای امنیت را که دوست ما هستند از واقعیت اوضاع آگاه می کنیم. البته ما در شورای امنیت دوست هم داریم. اگر دبیرکلی ملل متحد بازتاب دادن این نامه ها را نادیده می گیرد و اگر برخی کشورهای غربی نخواهند با این پیام ها و نامه ها تعامل داشته باشند و نظر خود را در این باره بیان دارند باز هم کشورهای بسیاری در شورای امنیت هستند که به این پیام ها احترام می گذارند، و آنها را می خوانند و به مطالبی که در این نامه ها آمده است توجه می کنند. شمار این نامه ها حدود نهمصد نامه است. این نامه ها مستنداتی برای انعکاس جنگ تروریستی است که از سال ۲۰۱۱ علیه سوریه به راه افتاده است.

بشار جعفری در پاسخ به این سؤال که آیا امور رو به افزایش تشنج می رود یا به سمت آرامش می رود گفت: به معنای ژئوسیاسی نمی توان گفت که اوضاع رو به آرامش می رود، زیرا درگیری دیپلماتیک به درگیری سیاسی تبدیل شده است و درگیری سیاسی هم اکنون شکل نظامی به خود گرفته است از جمله آن که ناتو تهدید کرده است که برای حمایت از سیاست های خصمانه اردوخان علیه سوریه، دست به مداخله خواهد زد. با این حال شکر خدا طرف های خردمندی در جهان هستند. مثلاً رئیس جمهور عاقلی به نام پوتین وجود دارد، رئیس جمهور عاقلی به نام بشار اسد وجود دارد، چین از رئیس جمهوری عاقل برخوردار است، ایران از رهبری خردمند بهره مند است و اغلب آنها روابط خوبی با اردوخان دارند، ای بسا این روابط حسنه می تواند به منزله سوپاپ اطمینان باشد.

وی افزود: مثلاً وقتی ایران با ترکیه مذاکره می کند این مذاکره می تواند به نوعی بر این دیوانگی اردوخانی مؤثر باشد. وقتی پوتین رئیس جمهور روسیه با اردوخان مذاکره می کند، می تواند بر روی او تأثیر بگذارد. روسیه می کوشد با ادغام ترکیه در شبکه ای از روابط خردمندانه در منطقه اردوخان را - با وجود دیوانگی اش - به یک عنصر عقلانی مبدل کند. اگر اردوخان بخواهد خود را در پناه ناتو قرار دهد و به سیاست مداخله جویانه خود ادامه دهد و در امور داخلی سوریه دخالت کند، این مسأله بی تردید او را به سمت درگیری با ارتش سوریه - در جریان آزادسازی ادلب - سوق خواهد داد. زیرا ادلب بخشی از خاک سوریه است و خاک ترکیه نیست.